

سرشناسه	شفیعی سروسستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	کلیات فقه و مبانی حقوق اسلامی / ابراهیم شفیع سروسستانی؛ ارزیاب حسام الدین ربانی؛ ویراستار ابوالقاسم هاشمی نسب؛ [برای] وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه قرآن و حدیث، مرکز آموزش الکترونیکی.
مشخصات نشر	قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۴۳ ص.
فروست	درسپوشنار: ۴۱.
شابک	978-622-207-081-6
وضعیت فهرست نویسی	فها
یادداشت	بالای عنوان: متون آموزشی مرکز آموزش الکترونیکی.
عنوان دیگر	متون آموزشی مرکز آموزش الکترونیکی.
موضوع	فقه
موضوع	Islamic law
موضوع	فقه -- پرسشها و پاسخها
موضوع	Islamic law-- Questions and answers
شناسه افزوده	ربانی، حسام الدین، ۱۳۴۴ -
شناسه افزوده	دانشگاه قرآن و حدیث، مرکز آموزش الکترونیکی
رده بندی کنگره	BP۱۶۹
رده بندی دیویی	۳۹۷/۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۸۲۳۰۸۷



کلیات فقه و مبانی حقوق اسلامی

ابراهیم شفیع سروسستانی

ارزیاب: حسام الدین ربانی	ویراستار: ابوالقاسم هاشمی نسب	صفحه آرا: مهدی خوش رفتار اکرم	طراح جلد: حسن فرزنانگان
--------------------------	-------------------------------	-------------------------------	-------------------------

ناشر: موسسه انتشاراتی دارالحديث • چاپ: اول/ ۱۳۹۸ • چاپخانه: دارالحديث

شمارگان: ۵۰۰ • قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان • شابک: ۶-۰۸۱-۲۰۷-۶۲۲-۹۷۸

محل پخش

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵، تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۰۵۲۳

فکس: ۰۲۵ ۳۷۷۴۰۵۷۱ / ص. پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹، تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۰۵۴۵

شهری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه، صحن کاشانی، تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

<http://darolhadith.ir>

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



۱۴۰۱۵۰۸۰۰۱۰۱۵

درس
نوشتار
۴۱

معاون آموزشی مرکز آموزش لکترونیک

کلیات فقه و مبانی حقوق اسلامی

ابراهیم شفیعی سروستانی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تهران
مرکز آموزش لکترونیک

سخن‌مستنا»

«متنا» عنوان مجموعه «متون تدوینی نشر مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث» است. این متون از آغاز تأسیس مرکز- سال ۱۳۸۳- تاکنون به عنوان منابع درسی دانشجویان در مقاطع کارشناسی و ارشد همواره تدریس شده است. بخشی از متون آموزشی مرکز، توسط ناشران دانشگاهی، مانند سمت، منتشر شده است، از سال ۱۳۹۵ مرکز تصمیم گرفته تا همه منابع درسی را به دو صورت ذیل آماده و منتشر نماید:

درس نوشتار

این اصطلاح به متونی اطلاق می‌شود که استاد افزون بر تدریس، مطالب دروس را قلمی نیز کرده است.

درس گفتار

این عنوان به بخشی از جزوات آموزشی مرکز اطلاق می‌شود که به جهت فقدان متن مکتوب یا منبع مقبول در آن ماده درسی، همان گفتار استاد در تولید بسته‌های درسی چندرسانه‌ای، پیاده و پس از بازنویسی و تغییرات ویرایشی، برای تسهیل در مطالعات و آزمون، به صورت موقت منتشر می‌شود. امید است صاحبان این آثار فرصت یابند تا این درس گفتارها را به کتاب‌های منقح تبدیل نمایند.

شایان ذکر است که با توجه به فقر منابع در موضوعات کتاب‌ها و یا نگاه‌های نو صاحبان آثار، بسیاری از این جزوات در مراکز معبر دانشگاهی و حوزوی در حال تدریس است.

از خوانندگان گرامی به جهت برخی کاستی‌های احتمالی در ویرایش و یا استنادها، که از ناحیه مرکز- و نه صاحبان آثار- رخ داده، صمیمانه عذرخواهیم.

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
الف - معنا و مفهوم مبانی.....	۱۳
ب - تقسیم سه گانه معارف اسلامی.....	۱۴
ج - پیوستگی و ارتباط معارف اسلامی.....	۱۶
د - اثرگذاری معارف اسلامی بر یکدیگر.....	۱۷
هـ - ارتباط فقه و حقوق اسلامی.....	۱۹
پرسش های پیش گفتار.....	۲۰

فصل اول: کلیات و مبانی فقه

۱. مفهوم شناسی فقه.....	۲۲
الف - معنای لغوی.....	۲۲
ب - معنای اصطلاحی.....	۲۳
۲. مفهوم شناسی اجتهاد.....	۲۵
الف - معنای لغوی.....	۲۵
ب - معنای اصطلاحی.....	۲۶
ج - تحول مفهوم اجتهاد در طول تاریخ.....	۲۸
۳. مفهوم شناسی حکم.....	۳۳
الف - معنای لغوی.....	۳۳
ب - معنای اصطلاحی.....	۳۳
۴. موضوع دانش فقه.....	۳۶
۵. تقسیم بندی فقه.....	۳۶

- الف - تقسیم‌بندی محقق حلی ۳۶
- ب - تقسیم‌بندی شهید صدر ۳۹
۶. منابع فقه ۴۰
- الف - کتاب ۴۲
- ب - سنت ۴۳
- ج - اجماع ۴۴
- د - عقل ۴۵
۷. دلیل (مستند) حکم شرعی ۴۸
- الف - دلیل نقلی و دلیل عقلی ۴۸
- ب - دلیل اجتهادی و دلیل فقهاتی ۴۹
- یک. اصل براهت ۴۹
- دو. اصل استصحاب ۵۰
- سه. اصل احتیاط ۵۱
- چهار. اصل تخییر ۵۱
- ج - دلیل لفظی و دلیل لُئی ۵۲
۸. مبنای فقه ۵۲
۹. اهداف فقه ۵۲
۱۰. تقسیم‌بندی حکم شرعی ۵۴
- الف - حکم تکلیفی و حکم وضعی ۵۴
- ب - حکم واقعی و حکم ظاهری ۵۶
- ج - حکم اولی و حکم ثانوی ۵۷
- د - حکم مولوی و حکم ارشادی ۵۸
- و - حکم تعبّدی و حکم توصّلی ۶۰
- ه - حکم تأسیسی و حکم امضایی ۶۰
۱۱. ویژگی‌های حکم شرعی ۶۲
- الف - داشتن پاداش ۶۲
- ب - قابل نسخ نبودن ۶۳
- ج - داشتن دامنه وسیع‌تر ۶۳
- د - در برگرفتن رفتارهای غیرالزامی ۶۳
- ه - شامل شدن قصدها و نیت‌ها ۶۴

۶۴	و - داشتن ضمانت اجرای درونی و ایمانی.....
۶۷	پرسش‌های فصل اول.....

فصل دوم: کلیات و مبانی حقوق اسلامی

۶۹	۱. مفهوم‌شناسی حقوق.....
۷۱	الف - حقوق به معنای جمع حق.....
۷۱	یک. معنا و مفهوم حق.....
۷۴	دو. ویژگی‌های حق.....
۷۵	- اسقاط پذیری.....
۷۵	- نقل پذیری.....
۷۵	- انتقال پذیری.....
۷۵	- امکان تعهد به سلب حق.....
۷۶	سه. واژه‌های مقابل حق.....
۷۷	- حکم.....
۷۸	- تکلیف.....
۷۹	- ملک.....
۸۰	چهار. تقسیم‌بندی حق.....
۸۰	- به اعتبار ویژگی‌های حق.....
۸۱	- به اعتبار دارنده حق.....
۸۳	- به اعتبار موضوع حق.....
۸۶	ب - حقوق، به معنای دانش حقوق.....
۸۶	۲. موضوع دانش حقوق.....
۸۷	۳. تقسیم‌بندی حقوق.....
۸۷	الف - حقوق طبیعی و حقوق موضوعه.....
۸۸	ب - حقوق عمومی و حقوق خصوصی.....
۸۸	ج - حقوق داخلی و حقوق خارجی.....
۸۸	د - ترکیب تقسیم‌بندی‌های یادشده.....
۸۹	یک. حقوق داخلی عمومی.....
۹۳	دو. حقوق داخلی خصوصی.....
۹۵	سه. حقوق بین الملل عمومی.....
۹۸	چهار. حقوق بین الملل خصوصی.....

۴. منابع حقوق ۹۸
- الف - قانون ۹۹
- ب - عرف ۱۰۰
- ج - رویه قضایی ۱۰۱
- د - دکترین (نظریه‌ها و اندیشه‌های حقوقی) ۱۰۳
- ه - اصول کلی حقوقی ۱۰۴
۵. مبانی حقوق ۱۰۵
- الف - مکاتب حقوق طبیعی ۱۰۷
- ب - مکاتب حقوق پوزیتیویستی ۱۰۸
- ج - مکتب حقوقی اسلام ۱۰۹
۶. اهداف حقوق ۱۱۱
۷. ویژگی‌های قاعده حقوقی ۱۱۲
- الف - الزام‌آور بودن ۱۱۲
- ب - ضمانت اجرا داشتن ۱۱۳
- ج - کلی و دائمی بودن ۱۱۳
- د - قاعده اجتماعی بودن ۱۱۴
۸. انواع قواعد حقوقی ۱۱۵
- الف - قواعد آمره و قواعد تکمیلی ۱۱۵
- ب - قواعد ماهوی و قواعد شکلی ۱۱۷
۹. نظم حقوقی ۱۱۷
۱۰. نظام‌های حقوقی ۱۱۸
- الف - حقوق اروپای غربی (نظام حقوقی رومی - ژرمنی) ۱۱۹
- ب - حقوق انگلیس و آمریکا (نظام حقوقی کامن لا) ۱۲۳
- ج - حقوق کشورهای کمونیستی (نظام حقوقی سوسیالیستی) ۱۲۵
- د - نظام حقوق اسلامی ۱۲۶
- پرسش‌های فصل دوم ۱۳۱
- فهرست منابع و مآخذ ۱۳۳
- الف - کتاب‌ها ۱۳۳
- ب - مقالات ۱۴۱

پیش گفتار

احادیث از نظر موضوع، در یک دسته‌بندی کلی به احادیث تفسیری، اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تاریخی تقسیم می‌شوند^۱ و ورود تخصصی به هر یک از حوزه‌های موضوعی حدیث نیازمند آشنایی اجمالی با دانش مرتبط با آن حوزه است؛ از این رو، دانشجویان و دانش‌پژوهانی که قصد ورود به حوزه تخصصی احادیث فقهی دارند، باید در نخستین گام، با دانش فقه و تفاوت آن با دیگر دانش‌ها آشنا شوند.

درس «کلیات فقه و مبانی حقوق اسلامی» که به عنوان یکی از دروس پایه در برنامه درسی تجمع و بازنگری شده دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث (مصوب ۱۳۹۵/۰۴/۱۳ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در دو واحد درسی پیش‌بینی شده، با همین هدف طراحی شده است. در برنامه درسی یادشده، اهداف این درس چنین بیان شده است:

۱. آشنایی با کلیات و مبانی فقه و حقوق اسلامی و مروری بر قواعد و ابواب فقهی - حقوقی؛

۲. ایجاد توانایی کاربرد اجمالی مبانی فقه و حقوق در استنباط احکام فقهی - حقوقی.

البته به نظر می‌رسد هدف دوم، قدری بلند پروازانه طراحی شده و در این درس امکان دستیابی به آن وجود ندارد؛ زیرا توانایی کاربرد مبانی فقه و حقوق در استنباط احکام فقهی -

۱. ر.ک: مهدی مهریزی، آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه، چاپ اول: قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۱۲۴ - ۱۳۰؛ عبدالهادی مسعودی، «اگر حدیث نبود»، در: استادان دانشکده علوم حدیث، آشنایی با حدیث، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۰، صص ۲۱ - ۲۹.

حقوقی، هر چند به صورت اجمالی، هرگز با یک درس دو واحدی ایجاد نمی شود و نیازمند گذراندن دروس فقه و اصول، آن هم به صورت تفصیلی است.

تاکنون کتاب های متعددی در زمینه آشنایی با کلیات و مبانی دو علم فقه و حقوق نگاشته شده است که در اینجا به تفکیک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف - آشنایی با کلیات و مبانی فقه

۱. آشنایی با علوم اسلامی (اصول فقه - فقه)، مرتضی مطهری، چاپ: قم، ص ۱۳۷۶.
۲. مبادی اصول الفقه، عبدالهادی الفضلی، مراجعه اسامه الساعدی، قم: ذوی القربی، ۱۳۹۲.
۳. القواعد الفقهیه، ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۰.
۴. تحریر اصول فقه (مظفر)، علی شیروانی، قم: دارالعلم، ۱۳۸۵.
۵. الوسیط فی اصول الفقه، جعفر سبحانی، مترجمان: مسعود ربانی، محمد حسین محمدی، قم: جباری، ۱۳۸۸.
۶. مبادی فقه و اصول: مشتمل بر بخشی از مسائل آن، علیرضا فیض، چاپ سیزدهم با تجدید نظر و اضافات: تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۷. مدخل علم فقه: ادوار منابع، مفاهیم، کتاب ها و رجال فقه مذاهب اسلامی، رضا اسلامی، چاپ اول: قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴.
۸. فلسفه علم فقه، سعید ضیایی فر، چاپ اول: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.

ب - آشنایی با کلیات و مبانی حقوق

۱. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ناصر کاتوزیان، چاپ سی و دوم: تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۲. مقدمه عمومی علم حقوق، محمدجعفر جعفری لنگرودی، ویرایش اول، چاپ یازدهم: تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.

۳. مبانی و کلیات علم حقوق، سید جلال الدین مدنی، چاپ سوم: تهران، همراه، ۱۳۷۳.
۴. مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، مصطفی دانش‌پژوه، چاپ اول: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۹.
- کتاب حاضر، در امتداد آثار یادشده و با بهره‌گیری از آنها برای ارائه مهم‌ترین سرفصل‌های پیش‌بینی‌شده در درس «کلیات فقه و مبانی حقوق اسلامی» تهیه شده است. در فصل نخست این کتاب، کلیات و مبانی فقه اسلامی و در فصل دوم آن، کلیات و مبانی حقوق اسلامی تبیین و بررسی خواهد شد.
- امیدوارم که این کتاب، راه‌گشای دانشجویان محترم برای ورود همراه با شناخت کامل به حوزه فقه و حقوق اسلامی باشد.

ابراهیم شفیعی سروستانی

بهار ۱۳۹۷

مقدمه

پیش از ورود به بررسی و تبیین کلیات و مبانی فقه و حقوق اسلامی، توجه به چند نکته ضروری است:

الف - معنا و مفهوم مبانی

مبانی، جمع مبنا و به معنای امری است که تکیه‌گاه و زیربنای امر دیگری قرار دارد. این واژه معمولاً در سه معنا به کار می‌رود: گاه به معنای «ادله» یا «دلایل اعتبار»، گاه به معنای «مفروضات و اصول موضوعه» و گاه به معنای «نیروی الزام‌آور حقوق».

یک. مبانی به معنای ادله: در کلمات دانشوران، گاه مبانی به معنای ادله به کار رفته است. به این اعتبار که ادله زیربنا و پشتوانه اثبات علمی یک مسئله هستند و اگر دلیل‌های یک مطلب علمی باطل شوند، به صورت طبیعی آن مسئله علمی هم فرو می‌ریزد.^۱

دو. مبانی به معنای «مفروضات و اصول موضوعه»: گاه مبانی به معنای اموری به کار می‌رود که در یک رشته علمی مفروض و مسلم گرفته می‌شوند و در آن رشته علمی بر آنها استدلال نمی‌شود، خواه این امور بدیهی و بی‌نیاز از استدلال باشند و خواه این امور نظری و نیازمند استدلال باشند، ولی در آن رشته علمی بر آنها استدلال نشود.^۲

سه. مبانی به معنای «نیروی الزام‌آور حقوق»: در مباحث حقوقی، به طور خاص، واژه

۱. سعید ضیایی فر، فلسفه علم فقه، چاپ اول: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۲، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۲۶۲.

مبانی به معنای «نیروی الزام‌آور حقوق» به کار می‌رود.^۱ در اصطلاحات حقوقی به آن منبع پنهانی و نیرومندی که پایه همه قواعد حقوقی و توجیه‌کننده الزام ناشی از آنها است، «مبنای حقوق» می‌گویند.^۲

به نظر می‌رسد، مراد از «مبانی» در عنوان این درس، همان معنای نخست؛ یعنی «ادله» باشد. هدف دومی که برای این درس ذکر شده است نیز، این برداشت را تأیید می‌کند. بنا بر این، یکی از مباحثی که قرار است در این درس، دانشجویان با آن آشنا شود، دلایل و مستندات است که در دو علم فقه و حقوق به آنها استناد می‌شود.

ب - تقسیم سه گانه معارف اسلامی

علمای اسلامی مجموعه معارف اسلامی را به سه بخش تقسیم می‌کنند:

یک. بخش عقاید، یعنی مسائل و معارفی که باید آنها را شناخت و بدان‌ها معتقد بود و ایمان آورد؛ مانند مسئله توحید، صفات ذات باری تعالی، نبوت عامّه و خاصّه، و برخی مسائل دیگر؛ و البته فرق اسلامی در اینکه چه چیزهایی از اصول دین است و لازم است به آنها ایمان و اعتقاد داشت تا حدودی اختلاف نظر دارند.

دو. بخش اخلاق، یعنی مسائل و دستورهایی که در باره «چگونه بودن» انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، استقامت، وفا، صداقت، امانت و غیره.

سه. بخش احکام، یعنی مسائل مربوط به کار و عمل که چه کارهایی و چگونه باید انجام شود از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، بیع، اجاره، نکاح، طلاق، تقسیم ارث و غیره.

علمی که متصدی بخش اول است «علم کلام»، علمی که عهده‌دار بخش دوم است

۱. ر.ک: عباس منصورآبادی و جواد ریاحی، «مفهوم‌شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۹-۲۴.

۲. ر.ک: ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۴۰ - ۴۱.

«علم اخلاق» و علمی که بخش سوم را بر عهده دارد «علم فقه» نام گرفته است.^۱
به نظر برخی از اندیشوران اسلامی،^۲ در حدیث شریف نبوی ذیل این سه شعبه معارف

اسلامی مورد نظر است:

إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.^۳

دانش، فقط سه گونه است: آیه‌ای استوار (محکم) یا فریضه‌ای میانه (عادلانه) و یا سنتی پایدار (قرار داده شده)، و جز آن، زیادت است.^۴

این گروه، در توجیه برداشت خود گفته‌اند که مراد از آیه‌ای محکم، دانش اصول عقاید است که در آن براهینی بر مبدأ و معاد اقامه می‌شود که به منزله آیه و نشانه‌ای محکم و خلل‌ناپذیر است. مراد از فریضه میانه نیز، دانش اخلاق است که تحصیل آن لازم است و به انسان راه پرهیز از افراط و تفریط و طریق عدل و میانه را می‌آموزد. مراد از سنت قائم نیز همان علم به احکام شرعی عملی است که قانون قرار داده شده از سوی خداوند است.^۵

۱. مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، چاپ سوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۵۷ و ۵۸؛ همچنین ر.ک: همان، ج ۲، ص ۶۵ و ج ۲۰، ص ۶۵.
۲. مانند صدر المتألهین در شرح اصول کافی و نیز فیض کاشانی و علامه مجلسی. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷-۳۸.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب دوم، ص ۳۲، حدیث اول؛ محمد محمدی ری‌شهری، حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، جلد ۱۴، چاپ دوم: قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۵.
۴. همانا مراد از «آیه»، همه اصول و فروعی است که از قرآن، استنباط می‌شود و «فریضه»، واجبات استنباط شده غیر «آیه» است و «سنت»، مستحبات استنباط شده غیر «آیه». نیز می‌توان گفت که «آیه استوار»، به معنای برهان‌های عقلی استوار و مستفاد از قرآن است و «قانون عادلانه»، یعنی احکام واجب دین، و «سنت پایدار»، یعنی مستحبات و سنن دینی (ر.ک: مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۰۳، پانوش، به نقل از: حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۱، ص ۳۲۵).
۵. ر.ک: رضا اسلامی، مدخل علم فقه: ادوار منابع، مفاهیم، کتاب‌ها و رجال فقه مذاهب اسلامی، چاپ اول: قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴، صص ۴۰ و ۴۱. همین تقسیم ثلاثی را برخی مفسران از آیه «تَلَوْنَهَا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» استفاده کرده‌اند؛ اما شیخ محمود شلتوت در کتاب الاسلام عقیده و شریعة، آموزه‌های اسلام را در اعتقادات و شریعت به معنای احکام عملی خلاصه کرده؛ و سپس در بخش دیگری، اخلاق را شعبه‌ای از اسلام قرار داده است. ترجمه تحقیق گل‌دزیه‌ر، درباره اسلام نیز با نام العقیده و الشریعة فی الاسلام منتشر شده است که نشان می‌دهد این مستشرق در تقسیم معارف اسلامی متأثر از تقسیم ثنائی و پایبند بدان بوده است.

ج - پیوستگی و ارتباط معارف اسلامی

دین اسلام مجموعه‌ای به هم پیوسته و نظام‌مند از عقاید، احکام (فقه) و اخلاق است. این سه حوزه متفاوت از معارف دینی در پیوند با یکدیگر کمال فرد و جامعه را در پی دارند؛ از این رو، همواره باید این نکته را در نظر داشت که نظام فقهی، حقوقی اسلام در کنار نظام اعتقادی و اخلاقی آن معنا می‌یابد و برای ایجاد جامعه اسلامی حتماً باید به زیرساخت‌های اعتقادی و اخلاقی توجه کرد.

مروری گذرا به احکام معاملات، احکام خانواده و زناشویی، احکام قضایی و کیفری اسلام و ... روشن می‌سازد که اعتقاد به خدا و روز بازپسین و همچنین پایبندی به موازین اخلاقی از ارکان اساسی اجرای این احکام است. هم‌چنان‌که در باب معاملات، التزام به حلال و حرام‌ها و حتی مستحبات و مکروهات شرعی و اعتقاد به روز حساب ضامن بسیاری از احکام فقهی و حقوقی این باب است، اجرای درست بسیاری از احکام قضایی اسلام، همچون شهادت، سوگند و قسامه، منوط به پایبندی مردم به ارزش‌های دینی و اخلاقی است.

بر این اساس، اگر قانون‌گذار در موضوعی چون تنظیم روابط زن و شوهر، تنها ضوابط خشک فقهی و حقوقی را مورد توجه قرار دهد و تنها در پی این باشد که با تعیین چارچوب‌های قانونی و نه با حاکمیت موازین اخلاقی، زن و مرد را به ادای حقوق یکدیگر وادار کند، در نهایت به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و نهاد خانواده بیش از پیش تضعیف خواهد شد؛ هم‌چنین اگر قانون‌گذار تنها به اجرای احکام کیفری اسلام، اعم از حدود، قصاص و تعزیرات توجه کند و از احکام اقتصادی اسلام که عدالت اجتماعی را در پی دارد غفلت ورزد، در نهایت توفیق چندانی در مقابله با جرم و بزهکاری نخواهد یافت و جرائم مختلف به رشد خود ادامه خواهند داد.

علاوه بر ارتباط و پیوندی که در میان نظام‌های اعتقادی، فقهی و اخلاقی اسلامی وجود دارد، هر یک از این نظام‌های سه‌گانه نیز از اجزا و بخش‌های به هم پیوسته و مرتبط به وجود

آمده‌اند؛ اجزا و بخش‌هایی که هر یک کامل‌کننده دیگری هستند و در ارتباط با هم معنا و مفهوم می‌یابند.^۱

د - اثرگذاری معارف اسلامی بر یکدیگر

قرآن کریم همواره ایمان و عمل صالح را در کنار یکدیگر مطرح کرده است.^۲ این موضوع بیانگر جداناپذیر بودن بخش نظری دین (عقاید) از بخش عملی آن (احکام و اخلاق) است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه نود و هفت سوره نحل در زمینه ارتباط ایمان و عمل صالح می‌نویسد:

پس اینکه فرمود: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ»؛ «هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد.»^۳ حکمی است کلی نظیر تأسیس قاعده‌ای برای هر کس که عمل صالح کند، حالا هر که می‌خواهد باشد، تنها مقیدش کرده به اینکه صاحب عمل، مؤمن باشد و این قید در معنای شرط است، چون عمل در کسی که مؤمن نیست حبط می‌شود و اثری بر آن مترتب نیست، هم‌چنان‌که خدای تعالی فرموده: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»؛ «و هر کس منکر ایمان باشد، اعمالش باطل می‌شود.»^۴ و نیز فرموده: «وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «و آنچه در دنیا تلاش کرده‌اند، بی‌نتیجه می‌شود؛ چون هر چه کرده‌اند باطل بوده است.»^{۵ و ۶}

۱. ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، فقه و قانون‌گذاری؛ آسیب‌شناسی قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی، ویراست جدید، چاپ اول: قم، کتاب طه، ۱۳۹۵، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲. ریشه «امن» و «عمل» و مشتقات آنها در مجموع ۱۰۹ بار در کلام الله مجید تکرار شده که در ۹۶ مورد ایمان بر عمل مقدم شده و در سیزده مورد عمل بر ایمان مقدم شده است. البته با بررسی تمام سیزده مورد، روشن می‌شود که در آنها هم تقدم ایمان بر عمل مورد نظر است. (ر.ک: حبیب‌رضا ارزانی و محمدرضا ارزانی، «همراهی اثربخش ایمان و عمل صالح در قرآن با تکیه بر المیزان»، نشریه علمی - ترویجی اخلاق، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۲۸. ر.ک: سوره عصر (۱۰۳)، آیه ۳؛ سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۳. سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۴. سوره مائده (۵)، آیه ۵.

۵. سوره هود (۱۱)، آیه ۱۶.

۶. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۲۹.

اما افزون بر این موضوع، از آیات قرآن و تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین برمی آید که از یک سو، تقید به احکام و اخلاق و انجام اعمال شایسته موجب تقویت و نهاده سازی باورهای اعتقادی و از سوی دیگر، بی توجهی به احکام و اخلاق و انجام اعمال فاشیست موجب تضعیف ایمان و در نهایت انکار اعتقادات اصیل می شود.^۱

قرآن کریم در باره تأثیر عمل صالح بر ایمان می فرماید:

﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾.^۲

سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به بررسی رابطه علم و عمل و تأثیر عمل شایسته در رفعت علم پرداخته و می نویسد:

عمل از فروغ علم و آثار آن است، آثاری که هیچ گاه از آن جدا شدنی نیست. هرچه عمل مکرر شود، اعتقاد راسخ تر، روشن تر و در تأثیرش قوی تر می گردد.^۳

بر همین اساس است که امام باقر علیه السلام در روایتی می فرماید:

مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عَلَّمَهُ اللَّهُ مَا لَمْ يَعْلَمُ.^۴

هر کس به آنچه می داند عمل کند، خداوند آنچه را نمی داند به او می آموزد.

قرآن کریم همچنین در باره تأثیر اعمال ناشایست بر ایمان و اعتقاد شخص می فرماید:

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوْاى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾.^۵

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.

بنابر این، برای رسیدن به معرفتی ژرف و گسترده در باره آموزه های دینی و دست یافتن به

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مدخل علم فقه: ادوار منابع، مفاهیم، کتاب ها و رجال فقه مذاهب اسلامی، صص ۳۹ و ۴۰.

۲. سوره فاطر (۳۵)، آیه ۱۰.

۳. تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۲۹.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۸۹، ح ۴۴.

۵. سوره روم (۳۰)، آیه ۱۰.

جایگاهی شایسته در مباحث اعتقادی، جز عمل به دانسته‌هایمان در این زمینه‌ها و التزام عملی بیشتر به آموزه‌های دینی و سخنان معصومان، چاره‌ای نداریم.

ه - ارتباط فقه و حقوق اسلامی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این نکته تصریح شده است که در نظام جمهوری اسلامی ایران چارچوب کلان اداره جامعه «بر اساس اصول و ضوابط اسلامی» ترسیم می‌گردد:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.

اصول متعددی از قانون اساسی، از جمله اصول چهارم، هفتاد و دوم، نود و یکم، نود و چهارم و نود و ششم این قانون نیز بر لزوم تدوین کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین و احکام اسلامی و عدم مغایرت آنها با اصول و احکام مذهب رسمی کشور تأکید کرده‌اند. اصل چهارم این قانون، در این زمینه چنین مقرر می‌کند:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

در اصل هفتاد و دوم این قانون نیز آمده است:

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده، بر عهده شورای نگهبان است.

با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت در نظام جمهوری اسلامی، فقه و حقوق کاملاً به یکدیگر پیوسته‌اند و فقه امامیه مبنای ایجاد نظام حقوقی و تدوین قوانین و مقررات است. البته این سخن به این معنا نیست که هیچ تفاوتی میان دو علم فقه و حقوق وجود ندارد و این

دو از نظر مبادی، مبانی، منابع و روش‌ها کاملاً مشابه یکدیگرند. در ادامه مباحث این کتاب در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

پرسش‌های پیش‌گفتار

۱. واژه «مبانی» در کلمات دانشوران به چه معانی‌ای به کار رفته است و مراد از آن در این

درس چیست؟

۲. تقسیم‌بندی سه‌گانه معارف اسلامی را نام برده و وجه تقسیم آنها را بیان کنید.

۳. ارتباط نظام‌مند معارف اسلامی را شرح دهید.

۴. چگونگی اثرگذاری معارف اسلامی بر یکدیگر را ذکر کنید.

۵. ارتباط فقه و حقوق را توضیح دهید.